

نام‌شناسی نام‌های فردی علم رجال *

کامران ایزدی

(دانشیار دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق(ع))

سید مهدی لطفی

(استادیار گروه الهیات دانشگاه اصفهان)

چکیده: برخی از اسامی راویان بر اثر گذشت زمان دچار تغییرات مختلفی شده‌اند که در دو شیوه تغییرات شکلی و محتوایی جای می‌گیرند. نام‌شناسی به منزله علمی که به مطالعه نام‌ها می‌پردازد، می‌تواند راهکار مناسبی برای مطالعه تغییرات صورت گرفته در نام‌ها، ارائه دهد. در واقع نام‌شناسی با ارائه شکل صحیح نام و تغییرات مختلف آن، راه را برای مطالعات رجالی در حوزه نام‌ها باز می‌کند. روش‌های نام‌شناختی، در حوزه‌های مختلف رجالی از جمله استخراج پاره‌ای از اطلاعات راویان از نام آنها، توحید مختلفات و شناسایی نام‌های محرف و مصحف کاربرد وسیعی دارد. نتایج حاصله از مطالعات نام‌شناختی هر یک از حوزه‌های مذکور، می‌تواند کمک شایانی به روشن شدن بخشی از زندگانی راویان نکند.

کلید واژه‌ها: نام، نام‌شناسی، نام‌شناسی فردی، نام‌های رجالی، نام‌های فردی

طرح مسئله

نام، کلمه یا عبارتی است که به شخص، مکان یا چیزی هویت می‌بخشد. نام و فرایند نامگذاری تحت تاثیر عوامل مختلف تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و انسان‌شناختی

* تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۱۵ تاریخ تصویب: ۸۷/۲/۲۶

است. (نک. رجب زاده، ۱۳۷۸: ۳۷-۵) از این رو نام‌ها در زمره اسناد زبانی از فرهنگ مادی و غیر مادی که در نگاه کلی بخشی از فرهنگ عمومی و میراث زبانی را شکل می‌دهند.

هر اجتماعی در ادوار مختلف تاریخی خود شبکه‌ای از ارزش‌ها و معیارها را دارد که در سیستم نام گذاری آن اجتماع مؤثر است. از آنجا که جوامع مختلف بشری در حال تحول‌اند، مفاهیم، واژه‌ها و معانی اسامی نیز در حال تغییرند. ممکن است در این تغییر و تحول، برخی از واژه‌ها شکل اولیه خود را از دست بدهند و تبدیل به واژه‌ای جدید شدند یا معانی و مفاهیم واژه‌ها دچار تغییرات مختلف معنایی گردند. (قرشی ۱۳۸۲: ۷). علمی که به مطالعه تغییرات صورت گرفته در حوزه نام‌ها می‌پردازد، نام‌شناسی است.

نام‌شناسی (onomastics) یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که در آن نام‌های خاص و ریشه‌های آنها مطالعه و بررسی می‌شود. (Bright 2003: p662) پیشینه این علم به اواخر قرن نوزده میلادی بر می‌گردد که دوره تدوین اصول و قواعد زبان‌شناسی تاریخی است. زبان‌شناسی در دوره مورد بحث، متمرکز بر مباحث تاریخی از جمله تغییرات آوایی کلمات بود که چنین مطالعاتی زبان‌شناسان را به سوی دقت در واژگان می‌کشاند. دقت‌های صورت گرفته در حوزه واژگان نیز به حوزه اسامی وارد و زیربنای مباحث نام‌شناسی شد. (Anderson 2007: p88)

در فرهنگ اسلامی توجه به نام و بررسی آنها پیشینه دیرینه‌ای دارد. برخی از نام‌ها در فرهنگ اسلامی تقدس خاصی دارند. از جمله این نام‌ها، اسماء الهی به ویژه اسماء الحسنى است که در قرآن تعدادی از آنها ذکر شده و مفسران و دانشمندان اسلامی آنها را بررسی کرده‌اند. (برای نمونه نک. محقق ۱۳۷۲: ج ۲، ۱۵۹۸-۱۵۷۷) افزون بر این در علم رجال نیز به بررسی اسماء راویان پرداخته می‌شود. این علم متکفّل بررسی احوال راویان حدیث از جهت اتصاف آن به شرایط قبول خبر و عدم آن است. (مامقانی [بی‌تا]: ج ۱، ۱۶۹) در بین نام‌های راویان که موضوع مورد مطالعه علم رجال است، برخی از آنها دچار تغییرات مختلفی شده‌اند. نام‌شناسی با شناسایی این تغییرات، شکل اولیه و صحیح آنها را مشخص می‌سازد. همچنین با دسته‌بندی نام‌ها و ریشه‌شناسی آنها می‌توان پاره‌ای از اطلاعات جانبی در خصوص نام راویان به دست آورد. در مقاله حاضر

ضمن بررسی روش نام‌شناسی، در صدد تبیین شیوه بهره‌گیری از نام‌شناسی در علم رجال هستیم که برای نمونه کاربرد نام‌شناسی در استخراج پاره‌ای از اطلاعات از نام راویان، توحید مختلفات و شناخت نام‌های مصحف و محرف بررسی می‌شوند.

۱. اقسام نام‌شناسی

نام‌شناسی به چند شاخه اصلی تقسیم‌بندی شده است که مهم‌ترین شاخه‌های آن مطالعه اسامی افراد و مکان‌هاست. شاخه‌ای از نام‌شناسی که به مطالعه نام افراد می‌پردازد، نام‌شناسی نام‌های فردی یا نام‌شناسی مردم‌شناسی (anthroponomastics) و شاخه‌ای که به مطالعه اسامی مکان‌ها اختصاص یافته است، نام‌شناسی نام‌های مکانی (toponomastics) گویند. (کریستال شماره ۱۵۷-۱۵۶: ۵۱۹) شاخه‌ای دیگری از نام‌شناسی نیز نام‌شناسی نام‌های رودها (hydronym) است (ساماران، ۱۳۷۰: ج ۲، ۲۸۱) اما اکثر مطالعات در زمینه نام، ذیل دو عنوان اصلی نام‌شناسی نام‌های فردی و نام‌شناسی نام‌های مکانی صورت می‌پذیرد. (Anderson 2007: p83-88) در این مقاله صرفاً نام‌های فردی مطالعه و بررسی می‌شوند.

۲. ساختار نام‌های فردی در زبان عربی

ساختار نام‌ها در زبان عربی به صورت کنیه، اسم، نسب، نسبت و لقب است. برای مثال نام «ابوالمحاسن یوسف بن ابی یوسف یعقوب المکی الحنبلی الزیاتی» نمونه‌ای از نام کامل عربی است که دربردارنده تمام عناصر مذکور است. (شیمل ۱۳۶۷: ۵) محدثان در ترتیب نام‌ها نسبت عام را بر نسبت خاص مقدم کرده‌اند. از این رو، در تقدیم بین قرشی و هاشمی به ذکر قرشی و سپس هاشمی پرداخته‌اند. برای مثال در نام «احمد بن علی بن القرشی الهاشمی» قرشی به دلیل عام بودن، بر هاشمی مقدم است. دلیل این تقدیم نیز ناشی از این مسأله است که قریشی بودن فرد مستلزم هاشمی بودن وی نیست اما هاشمی بودن وی حاکی از قریشی بودن وی است. (نووی [بی‌تا]: ج ۱، ۱۳)

برخی از مستشرقان براین باورند که دسته‌ای از اسامی عربی ساختاری بومی و محلی دارند. نام‌هایی همچون «عبدالصبور» یا «عبدالمعطی» به گوش عرب‌ها، آهنگی مصری دارد. از این رو، شاید مردم کشورهای بخصوصی علاقه به اسامی خاصی داشته

باشند. بر این اساس؛ می توان گفت که حتی ممکن است شکل دستوری اسامی در مناطق مختلف با یکدیگر متفاوت باشد. (شیمل ۱۳۶۷: ۱۱۷)

۳. روشهای نام شناسی فردی

اسم خاص به سان شیء زنده است که تولد و مرگی دارد. گاه در تولد آن مقام یا قدرتی همانند پدر و مادر دخیل اند که دست به انتخاب نام فرزند خود می زنند و گاه خود به خود به ذهن همگان می رسد. نامی که بدین شکل انتخاب می شد بر اثر عادت رایج و متداول می شود و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شود. کودکان با تقلید از تلفظ پدر و مادر آن را تکرار می کنند، اما این تقلید به هیچ وجه کامل و بدون نقص نیست. در نتیجه اختلاف های نامحسوسی در تلفظ پیش می آید که پس از گذشت چندین سده - خلاصه هنگامی که شماری از بیگانگان با افراد محلی در می آمیزند - روی هم جمع شده و تغییرات چشمگیری را سبب می شود. این تغییرات آوایی در کلمات زبان جاری نیز تأثیراتی بر جای می گذارند. برای مثال همین دگرگونی ها موجب لهجه های مختلف عربی شده است. در واقع زبان عربی که در آغاز یکسان و یکنواخت بوده، در جریان زمان و مکان تغییر پیدا کرده و به صورت گویش های فراوانی در آمده است. (ساماران ۱۳۷۰: ج ۲، ۲۸۴)

فرایند تغییرات آوایی تمام نام ها را شامل نمی شود. در این بین دسته ای از نام ها دچار تغییر آوایی نمی شوند و شکل نخستین آنها طی قرون مختلف منتقل می شود. از این رو نام ها را می توان به لحاظ شکلی به نام هایی که بر اثر عوامل مختلف دچار تغییرات آوایی شده و نام هایی که تغییر آوایی در آنها رخ نداده است، تقسیم بندی کرد. گونه اول نام ها نیازمند بررسی تاریخی هستند تا قدیمی ترین شکل های کاربرد آنها از خلال آثار گذشتگان مشخص شوند. پس از آن باید به بازسازی نمونه اصلی نام پرداخت. در بازسازی نمونه اصلی نام، توجه به قواعد آواشناختی ضروری است. بدین معنی که نام شناس در بررسی شکل های مختلف نام، سیر تطور نام را با قواعد آوایی مشخص می کند. در این گونه، از نام ها گاه تغییرات آوایی سبب اشتقاق نام های دیگری از یک ریشه می شود که برای بازسازی شکل اصلی، بررسی اشتقاقهای مختلف نام لازم است. (ساماران ۱۳۷۰: ج ۲، ۲۸۷-۲۸۵؛ اوگریدی و دیلینی ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۵۵-۳۵۰)

در گونه دوم نام‌ها که طی سالیان متمادی دچار تغییرات آوایی نشده‌اند، مطالعه تاریخی و ریشه‌شناختی پرده از زوایای مختلف نام برمی‌دارد. این نوع از مطالعات که ناظر به منشأ و ریشه و کاربرد نامند، اطلاعات بسیار مفیدی در خصوص فرد در اختیار ما قرار می‌دهند. (برای نمونه نک. نام درست بن ابی منصور واسطی در همین مقاله)

۴. کاربرد نام شناسی در علم رجال

نام‌شناسی به‌عنوان علم مطالعه نام، روش مناسبی برای مطالعات رجالی است. نام راوی را می‌توان در دو دسته نام‌هایی که دچار تغییرات آوایی شده و نام‌هایی که تغییر آوایی نیافته‌اند تقسیم‌بندی کرد. در دسته اول که نام‌ها دچار تغییرات آوایی هستند، مطالعه این تغییرات می‌تواند در مباحث توحید مختلفات، و تحریف و دیگر مباحث رجالی ثمربخش باشد. در دسته دوم نام‌ها بررسی تاریخی نام و ریشه‌شناسی آن، می‌تواند در شناخت تصحیفات و کسب اطلاعات جانبی مفیدی در خصوص راوی مؤثر باشد. از آنجا که حوزه کاربرد نام شناسی در علم رجال گسترده است، بررسی تمام کاربردهای نام شناسی در علم رجال امکان‌پذیر نیست. از این رو، صرفاً برای نمونه به بررسی چند مبحث استخراج پاره‌ای از اطلاعات از نام راوی، توحید مختلفات، تصحیف و تحریف می‌پردازیم.

۱-۴. استخراج پاره‌ای از اطلاعات از نام راوی

از آنجا که یک نام بازتابی از فرهنگ و باورهای اجتماعی است، تحلیل ریشه‌شناختی آن اطلاعات مفیدی را درباره خود فرد و دوره تاریخی مورد بحث در اختیار ما قرار می‌دهد. در این بین با توجه به سیستم نامگذاری عربی اسلامی، نام راوی دربردارنده اطلاعات مفیدی در حوزه بوم و خاستگاه فرد است که با تحلیل نام شناختی آن قابل دستیابی است. در واقع در جایی که هیچ راهی برای کسب اطلاعات در خصوص یک راوی وجود ندارد، نام شناسی قادر به استخراج اطلاعاتی در این زمینه است. هر چند که تمام نام‌های راویان دربردارنده چنین اطلاعاتی نیستند اما چنین بررسی برای بخش درخور توجهی از آنها امکان‌پذیر است. نمونه روشنی از این نام‌ها، نام درست بن ابی منصور واسطی است. وی از امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) روایت کرده است. (نجاشی [بی‌تا]: ۱۶۲) برقی (۱۳۴۲: ۴۹-۴۸) وی را در زمره اصحاب امام کاظم(ع) و شیخ

طوسی (۱۴۱۵: ۲۰۳ و ۳۳۶) وی را از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) دانسته است. بنابر نقل کشی وی فردی واقفی است. (کشی ۱۹۶۲: ۴۳۱) آیه الله خوئی با توجه به روایت علی بن حسن طاطری از وی، قائل به توثیق وی شده‌اند. (خوئی ۱۴۱۳: ج ۷، ۱۴۱).

درباره این نام چند نکته مهم وجود دارد. اولین نکته ضبط این نام از سوی رجالیان امامی است. در کتب رجالی نام وی با این عبارات ضبط شده است: «درست بن ابی منصور محمد واسطی» (نجاشی، [بی تا]: ج ۱، ۱۶۲)، «درست واسطی» (طوسی [بی تا]: ۱۸۶)، «درست بن ابی منصور و درست بن ابی منصور واسطی» (طوسی، رجال طوسی، صص ۲۰۳ و ۳۳۶)، «درست بن ابی منصور» (کشی ۱۹۶۲: ج ۱، ۵۵۶)، «درست بن ابی منصور واسطی» (برقی ۱۳۴۲: ۴۹-۴۸)، «درست بن ابی منصور» (ابن داود ۱۳۹۲: ۲۴۵) و «درست بن منصور». (حلی ۱۴۰۲: ۲۲۱). در بین ضبط‌های صورت گرفته از این نام، ضبط نجاشی از دیگر ضبط‌ها کامل تر است. مطابق این ضبطها، نام وی «درست» و نام پدرش «ابی منصور محمد الواسطی» است. از این رو، لازم است نام درست و پدرش بررسی شود که ابتدا به بررسی نام پدر و سپس نام درست می پردازیم.

نام محمد واسطی در رجال برقی (۱۳۴۲: ۲۰) و رجال طوسی (۱۴۱۵: ۴۰۸) در زمره اصحاب امام صادق (ع) ذکر شده است. ابان از محمد واسطی روایت کرده است (طوسی ۱۴۱۵: ۴۰۸) که مراد از ابان مذکور ابان احمر (کلینی ۱۳۷۲: ج ۵، ۵۱۳) و ابان بن عثمان (همان ج: ۶، ۵) است. آیه الله خوئی از فرد دیگری به نام محمد بن حسن واسطی یاد کرده است که مطابق نظر ایشان همان محمد واسطی است. (خوئی ۱۴۱۳: ج ۱۸، ۸۶) نکته مهم درباره این نام این است که کئیة وی در هیچ یک از دو کتاب مذکور یاد نشده است. مطابق گزارش‌های پیشین محمد واسطی جزء اصحاب امام صادق (ع) و درست بن ابی منصور جزء یاران امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) بوده است.

نام درست در بیشتر از ۸۰ روایت آمده است (خوئی ۱۴۱۳: ج ۷، ۱۳۹) بررسی کتب رجالی نشان می دهد که برخی از رجالیان از جمله نجاشی به نام وی توجه داشته‌اند. ایشان نام درست را به معنای «صحیح» معنا کرده‌اند. (نجاشی، ص ۱۶۲)

گزارش‌های تاریخی حاکی از رواج این نام در قرن دوم هجری است. در نیمه اول این قرن نام درست بن ابی منصور در بین روایات امامی دیده می شود. (نجاشی [بی تا]:

(۱۶۲) در همین قرن در بین راویان اهل سنت نیز نام درست بن زیاد، درست بن حمزه و درست وجود دارد که برای نام اخیر اطلاعات دیگری در منابع رجالی اهل سنت ذکر نشده است. (ذهبی ۱۳۸۲: ج ۲، ۲۶؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۳، ۱۸۲-۱۸۱) بر پایه گزارش بخاری، درست بن زیاد در بین سالهای ۱۷۰ تا ۲۰۰ هجری از دنیا رفته است و از گزارش دارقطنی نیز چنین به نظر می‌رسد که درست بن حمزه و درست نیز در قرن دوم می‌زیسته‌اند. (ذهبی ۱۳۸۲: ج ۲، ۲۶؛ ابن حجر، ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۱۸۲-۱۸۱) (ابن حجر، ۴۰۴، ج ۳، ۱۸۲) افزون بر این هر سه فردی که با نام درست ذکر شده‌اند، جزء شیوخ بصری معرفی شده‌اند. بدین ترتیب در قرن دوم نام درست در منطقه کوفه در بین راویان امامی و در منطقه بصره در بین راویان اهل سنت وجود داشته است. از این رو، منطقه رواج این نام منطقه عراق است که ایرانیانی در آن منطقه می‌زیسته‌اند. ضمن اینکه در همین دوره اثری از این نام در منابع رجالی در مناطق داخلی جهان اسلام نمی‌توان یافت. بنابراین، به نظر می‌رسد که این گونه از اسامی، اسامی هستند که ایرانیان در مناطق مرتبط با ایران بخصوص ساکنان، منطقه عراق به کار می‌بردند. وجود این نام در بین نام‌های ایرانی. نیز شاهد دیگری بر اثبات این مدعاست که خاندان واسطی مذکور خاستگاهی ایرانی داشته‌اند. (نک. لغت‌نامه دهخدا) به نظر می‌رسد رواج این نام نیز در قرن دوم می‌تواند حاکی از موج نامگذاری نام‌های ایرانی از سوی خاندان‌هایی باشد که در مناطق بیرون از مرزهای ایران می‌زیسته‌اند. بنابراین، گاه همانند مثال پیشگفته اطلاعات موجود در نام می‌تواند به شناسایی خاستگاه اصلی راوی کمک شایانی کند.

۲-۴. توحید مختلفات

گاه در برخی از کتب رجالی به اسامی مختلفی بر می‌خوریم که مراد از آنها فرد واحدی است. برای مثال نام «ابوعلی اشعری» در کافنی و دیگر کتب حدیثی، در اسانید بسیاری تکرار شده است. پس از بررسی کتب رجالی به این نتیجه می‌رسیم که چنین نامی در کتب رجالی شیعه ثبت نشده است، اما از وی با عنوان «احمد بن ادریس» یاد شده است. در واقع احمد بن ادریس همان ابوعلی اشعری است. از این رو، برای اثبات وثاقت ابوعلی اشعری باید به آنچه ائمه رجال در توثیق احمد بن ادریس و بزرگی وی

یاد کرده اند، استناد کنیم. (خوئی ۱۴۱۳: ج ۲، ۴۸-۴۲) گاهی این دسته از اسامی با دقت در اسامی روات و بررسی آنها قابل دستیابی است و گاهی نیز برای اثبات اتحاد دو فرد باید تلاش مضاعفی را به کار بست. در این بین روش‌های نام شناختی می‌توانند نقش مهمی در شناسایی این دسته از اسامی ایفا کنند. نام شناسی با بررسی تاریخی و زبانی نام‌های مختلف یک فرد و تحلیل و بازشناسی کنیه‌ها، القاب و اسامی مستعار زمینه مناسبی را برای شناسایی این دسته از افراد فراهم می‌سازد.

بحث‌های مختلف و شناسایی آنها از ابتدا مورد توجه علمای شیعه و اهل سنت بوده است. در بین علمای اهل سنت می‌توان از ابن صلاح (۱۴۰۴: ۱۸۹-۱۹۰) و حاکم نیشابوری ([بی‌تا] ۱۸۳-۱۷۷) یاد کرد که در کتب خود به بحث از این موضوع پرداخته اند. ابن صلاح در ذیل عنوان «معرفة من ذکر بأسماء مختلفة» بحث مفیدی در خصوص روایانی که در روایات به اسماء مختلف ذکر شده‌اند، دارد که در ضمن آن به ارائه مثال‌های چندی از این گونه از اسامی پرداخته است. وی شناسایی اسماء مختلف یک راوی را امری مشکل و دشوار بر می‌شمارد که گاه بر اثر بی‌اطلاعی برخی از افراد، راوی واحدی چند نفر فرض شده است. وی تدلیس را انگیزه برخی از روات در ذکر اسماء مختلف برای خود بیان می‌دارد که مطابق دیدگاه وی شناسایی این اسماء مختلف در شناخت تدلیس مدلسان از اهمیت زیادی برخوردار است. (ابن صلاح ۱۹۰-۱۸۹)

در بین رجالیان شیعی نیز این مسئله اهمیت زیادی دارد. علمای رجال با دقت در نام‌های راویان به شناسایی برخی از این راویان پرداخته‌اند. از جمله کسانی که در بحث توحید مختلفات سرآمد همه رجالیان‌اند می‌توان از مرحوم تفرشی (برای نمونه نک. ۱۴۱۸: ج ۲، ۲۲-۲۳) و آیه الله خوئی (۱۴۱۳: ج ۶، ۱۷-۲۴) یاد کرد که در کتب رجالی خود به این موضوع پرداخته‌اند.

۱-۲-۴ عامل اختلاف

گاه بر اثر تحولات آوایی، یک اسم به اسمی دیگری تغییر می‌یابد. در مواردی در کتب رجالی اسم اول بعنوان یک راوی و اسم تغییر یافته نیز راوی دیگری معرفی شده است. در جایی که تغییرات ناشی از تغییر آواهاست، مباحثی همچون همگونی آواها (تغییر یک واحد صوتی خاص به منظور شبیه‌تر کردن آن به یک صوت همجوار. در این زمینه

نک. Falk.p136؛ دیندوست ۱۳۷۴: ۱۰۶؛ برای مطالعه همگونی در زبان عربی نک. ابراهیم انیس ۱۶۶-۱۶۵) و جابه‌جایی یا قلب اصوات (گاهی اصوات ممکن است جای خود را با یکدیگر عوض کنند که این فرایند به فرایند قلب موسوم است: اوگریدی و دیلینی ۱۳۸۰: ج ۲، ۳۲۸؛ برای مطالعه قلب در زبان عربی نک. کیا ۱۳۴۰: ۱۷-۱) در نام‌ها رخ می‌دهد که این تغییرات می‌تواند از سوی راوی، مؤلفان کتب رجالی یا ناسخان صورت پذیرد. گاهی نیز مسائلی از جمله تعدد کتبه‌ها، اختصار در نسب و مانند آن سبب می‌شود که راوی واحدی، دو فرد مختلف فرض شود. (برای نمونه: خونی ۱۴۱۳: ج ۲، ۴۲-۴۸)

بنابراین، برای مطالعه نام‌های مختلف می‌توان دو شیوه از بررسی را در پیش گرفت. در جایی که به موارد آوایی برمی‌گردد، مطالعات آواشناختی در کنار بررسی‌های تاریخی صورت گیرد و در جایی که به عواملی غیر آوایی ختم می‌شود، بررسی‌های تاریخی و ریشه‌شناختی می‌توانند کارساز باشند.

علمای رجال در این خصوص با روش‌های مختلف رجالی سعی در شناسایی این عده از راویان داشته‌اند که می‌توان با افزودن روش‌های نام‌شناختی به غنای این بحث افزود. در زیر به بررسی دو نمونه از این دسته از اسامی می‌پردازیم:

الف) ابو محمد الحسن الراوندی الدینوری

در بررسی پیشینه این نام با چند نام متفاوت بر می‌خوریم که با وجود یکسان بودن اطلاعات رجالی آنها، به افراد مختلفی اشاره دارند:

۱. برقی در بین اصحاب امام کاظم(ع) به فردی به نام «ابو محمد دریوی» اشاره می‌کند که دینوری است. نامش حسن است و اصالتا کوفی و مولی بجیله است (رجال برقی ۱۳۴۲. ۵۳).

۲. در رجال شیخ فردی با نام «ابو محمد ذریوی» در زمره اصحاب امام رضا(ع) ذکر شده است که دینوری است. (طوسی ۱۴۱۵: ۳۷۰)

۳. شیخ طوسی از فرد دیگری به نام «حسن راوندی دینوری» یاد می‌کند که کتبه اش ابو محمد، اصالتا کوفی و مولی بجیله است و از اصحاب امام رضا(ع) است. (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۵)

دقت در نام‌های مذکور نشان می‌دهد که بین معرفی برقی و شیخ طوسی بجز نام دریوی و راوندی و اختلاف در اینکه جزء اصحاب کدام امام است، در بقیه اطلاعات تفاوت دیگری وجود ندارد. بین دو گزارش شیخ نیز اختلافی بجز در نسبت «دریری» و «راوندی» وجود ندارد. از آنجا که سه فرد مذکور به استثنای نسبت، در کنیه، نسب و دیگر اطلاعات یکسان هستند، فرض اتحاد آنها قوت می‌گیرد.

در بررسی نام راوندی با شکل دیگری از این نام در رجال شیخ برمی‌خوریم. شیخ از فردی به نام «حسین روندی دینوری» یاد کرده است که تمام اطلاعات وی با راوندی یکسان است. کنیه وی ابو محمد است. اصالتاً کوفی و مولی فرزندان بجلیله و از اصحاب امام رضا (ع) است. (طوسی ۳۵۶) به همین دلیل نیز تفرشی احتمال یکی بودن حسین روندی را با حسن راوندی مطرح کرده است (تفرشی ۱۴۱۸: ج ۲، ۲۲) اما آیه خوئی اتحاد مذکور را بعید می‌داند. (خوئی ۱۴۱۳: ج ۶، ۱۱۹) ایشان بر این نظرند که این دو برادرند و کنیه دادن فردی با نام حسین به ابو محمد نادر است و در غالب موارد کسی که نامش حسن است، کنیه ابو محمد می‌گیرد. (همانجا) از این رو، کنیه ابو محمد گزینه‌ای بر عدم اتحاد دو نام مذکور است که بر این اساس شکل اصلی نام راوندی، همان راوندی خواهد بود.

با در نظر گرفتن شکل اصلی نسبت مذکور، می‌توان گفت که نسبت راوندی در گزارش برقی (ابومحمد دریوی) (۱۳۴۲: ۵۳) و گزارش شیخ طوسی (ابومحمد ذریوی) ۳۷۰ محذوف است. در واقع هر یک از این دو رجالی مذکور، راوی مورد نظر را با کنیه و نسبتی ناقص توصیف کرده‌اند. با افزودن بخش محذوف، نام‌های مذکور به صورت «ابومحمد حسن راوندی دریوی» و «ابومحمد حسن راوندی ذریوی» در خواهند آمد. با در نظر گرفتن نمونه اصلی یعنی «ابو محمد حسن راوندی دینوری» پی به تغییرات صورت گرفته در نسبت دریوی و ذریوی می‌بریم. نسبت «دینوری» در کلام برقی به صورت دریوی قلب شده است که همراه با حذف حرف نون است. نسبت مقلوب دریوی در کلام شیخ مجدداً پس از تبدیل دال به ذال بر اثر همگونی به «ذریوی» قلب شده است. از این رو، سیر تاریخی نام دینوری نشان می‌دهد که این نام با توجه به کاربرد برقی در رجال خود از صورت اولیه خود دور شده و در کتاب رجال شیخ به صورت راوی مستقلی از دینوری ظاهر شده است که در حقیقت نام‌های

دینوری، دربوی و ذریری به فرد واحدی بر می‌گردند که همان «ابومحمد حسن راوندی دینوری» است.

ب) احمد بن میثم و احمد بن میثم:

احمد بن میثم بن ابی نعیم فضل بن عمرو ملقب به دکین از افراد موثق کوفی و فقهای آن دیار است. (نجاشی [بی‌تا]: ۸۸؛ طوسی ۱۴۱۵: ۶۲) وی از سوی رجالیان اهل سنت از جمله دارقطنی مورد تضعیف قرار گرفته است (ذهبی ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۶۰؛ ابن حجر ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۱۶) ابن حبان نیز وی را فردی معرفی می‌کند که احادیث مقلوبی را روایت کرده است.

در گزارش نجاشی از وی به صاحب کتاب بودن وی اشاره شده است اما نجاشی تصریح می‌کند که کتب وی را ندیده است. (نجاشی [بی‌تا]: ۸۸) شیخ در کتاب فهرست خود، کتاب الدلائل و کتاب المتعمه و کتاب النوادر و کتاب الملاحم کتاب الشراء و البیع را جزء مصنفات وی دانسته است (طوسی [بی‌تا]: ۶۲) شیخ این کتب را از حسین بن عبید الله از احمد بن جعفر از حمید بن زیاد از احمد بن میثم روایت کرده است که طریق ضعیفی است. (خونی ۱۴۱۳: ج. ۲، ۳۴۷)

احمد بن میثم

این نام صرفاً در ایضاح الاشتباه علامه حلی ثبت شده است (حلی ۱۴۱۲: ۱۰۶-۱۰۵) و دیگر کتب رجالی متعرض این نام نشده‌اند. حتی علامه در خلاصه نیز به وجود این فرد اشاره نکرده است. علامه وی را این گونه معرفی می‌کند: «أحمد بن میثم بکسر المیم، واسکان الیاء، وفتح التاء المنقطه فوقها نقطتین - بن ابی نعیم: بضم النون، لقبه دکین». (حلی ۱۴۱۱: ۱۰۵-۱۰۶) وی احمد بن میثم را نیز اینگونه معرفی می‌کند: «احمد میثم بالیاء المنقطه تحتها نقطتین الساکنه بعد المیم المفتوحه ثم بعدها التاء المنقطه فوقها ثلاث نقط بن ابی نعیم بضم النون وفتح العین غیر المعجمه...» (حلی ۱۴۰۲: ۱۵؛ حلی ۱۴۱۱: ۱۱۳)

برخی از رجالیان با دو راوی فرض کردن احمد بن میثم و احمد بن میثم، راه شناسایی احمد بن میثم را روایت حمید بن زیاد از وی دانسته‌اند. بر پایه نظر این گروه در صورت عدم کارایی روش مذکور باید در عمل به روایت توقف کرد زیرا احمد بن

میتم فردی مجهول است. (صدر [بی تا]: ۳۲۴) با در نظر گرفتن اهمیت این دو نام در زیر به بررسی نام شناختی این دو راوی می پردازیم.

نکات

۱. همانگونه که اشاره شد پیشینه این نام نشان می دهد که علامه حلی تنها رجالی است که در کتاب *الایضاح* نام احمد بن میتم را به کار برده است. (حلی ۱۴۱۱: ۱۰۵-۱۰۶)
۲. این فرد فردی مجهول است که هیچ نامی از وی در کتب مختلف رجالی نیست. ضمن اینکه بجز تفاوت میثم و میتم این دو در دیگر مشخصات اسمی هیچ تفاوتی ندارند.
۳. نبود اطلاعاتی در خصوص این راوی و شباهت کامل آن با احمد بن میثم جهت یکی بودن این دو اسم را قوت می بخشد. از این رو، به بررسی دلایل اتحاد عناوین می پردازیم.
۴. در خصوص این اسم احتمالات موجود را می توان در سه احتمال اشتباه ناسخان، تبدیلات آوایی و اشتباه خود علامه خلاصه کرد.
۵. از آنجا که علامه در کنار نام احمد بن میتم به معرفی نام احمد بن میثم به عنوان راوی دیگری پرداخته است؛ (حلی ۱۱۳) احتمال اشتباه نتاخ متفی است. تبدیل ثاء به تاء نیز تابع هیچ یک از تبدیلات آوایی نیست و نمی توان دلیل آواشناختی محکمی بر آن اقامه کرد. از این رو، تنها گزینه، اشتباه خود علامه در دو نام فرض کردن یک نام است. در نتیجه احمد بن میتم وجود خارجی ندارد و تنها حاصل اشتباه علامه است.

۳-۴ شناخت نام های مصحّف و محرّف

مصحّف حدیثی است که قسمتی از سند یا متن آن به کلمه یا عبارت مشابه آن تغییر یافته است. (ربانی ۱۳۲؛ مودب ۱۳۸۲: ۱۶۶-۱۶۷) تصحیف به دو گونه تصحیف لفظی و تصحیف معنوی است که تصحیف لفظی نیز به دو دسته تصحیف سندی و متنی تقسیم می شود. در گونه لفظی سندی اسم راوی در سلسله سند به اسم مشابه خود

تغییر می‌یابد همانند تصحیف «مراجم» به «مزاحم»، «خُریز» به «جُریر» و «بُرید» به «یزید» و در گونه لفظی متنی، تصحیف در متن حدیث رخ می‌دهد. همانند تصحیف (من صام رمضان و اتبعه ستا من شوال)، که کلمه «ستا» به «شیئا» تصحیف شده است. (شهید ثانی [بی‌تا]: ۱۱۰، غفاری ۱۳۶۹: ۴۲) تصحیف معنوی نیز تصحیفی است که در معنی و مفاد حدیث رخ می‌دهد. نمونه این تصحیف سخن ابو موسی محمد بن المثنی العنزی است که گفته است: «نحن قوم لنا شرف نحن عنزه صلی الینا رسول الله» وی لفظ عنزه را که مراد از آن عصای کوتاه است به (عنزة) که نام قبیله راوی است، تصحیف کرده است و مفاد آن را که حاکی از نماز گزاردن رسول خدا به طرف عصای خویش است به نماز گزاردن به قبیله عنزه تغییر داده است. (شهید ثانی [بی‌تا]: ۱۱۱؛ مدیر شانه‌چی [بی‌تا]: ۷۶)

محرّف حدیثی است که در سند یا متن آن، نقصان یا زیادتی رخ دهد یا حرفی به جای حرف دیگر نهاده شود. مانند تحریف «ابن ابی ملیکه» که تصغیر «ملکه» است، به «ابن ابی ملانکه» که جمع «ملک» است. (مدیر شانه‌چی [بی‌تا]: ۶۵)

برخی محرّف و مصحّف را یکی دانسته و برخی تصحیف را اعم از تحریف شمرده اند. (مدیر شانه‌چی، ۶۵؛ غفاری ۴۳) عده ای نیز تصحیف را مختص به تغییر لفظ از حیث نقطه و تحریف را تغییر در شکل کلمه دانسته اند. (نک. مدیر شانه‌چی [بی‌تا]: ۶۵؛ خطیب [بی‌تا]: ۳۷۴؛ غفاری ۱۳۶۹: ۴۳) نظر اخیر با نظر علمای نحو در خصوص تصحیف و تحریف قرابت دارد. (نک. رمضان ۱۳۶۷: ۱۰۳) از این رو، می‌توان همانند علامه مامقانی (غفاری ۱۳۶۹: ۴۳) نظر اخیر را نظری صحیح دانست.

مطابق نظر علمای رجال عامل تصحیف یا شنیداری یا دیداری است یعنی یا به خطای در شنیدن یا به خطای در دیدن برمی‌گردد. (شهید ثانی [بی‌تا]: ۱۱۰، غفاری ۱۳۶۹: ۴۳) براساس تعریف مورد پذیرش فوق آن دسته از اسامی را که چشم به دلیل تقاربی که در حروف می‌بیند، با جابه‌جایی نقطه‌های آنها به حرف دیگری تبدیل می‌کند، تصحیف می‌نامیم و آن دسته از اسامی که قوه شنوایی به دلیل نزدیک بودن وزن دو اسم یا دو لقب به یکدیگر سبب تغییر لفظی آنها می‌شود تحریف می‌گوییم. نمونه تحریف پیشگفته تحریف «عاصم الاحول» به «واصل الاحدب» و «مالک بن غلقمه» به «مالک بن عرفطه» است. اکنون بررسی نمونه‌های تصحیف و تحریف نام‌ها می‌پردازیم:

۱-۳-۳ تصحیف

غالباً تصحیف با قلب یک اسم همراه است. (کیا ۴) از آنجا که تصحیف نوعی خطای دیداری است؛ قلبهائی نیز که در آن صورت می‌گیرد، تابع قاعده خاصی نیست. از این رو امکان وقوع هر گونه جابه‌جایی و ابدالی در نام وجود دارد. بنابراین، برای بررسی تصحیفات باید به بررسی تاریخی و ریشه‌شناختی نام پرداخت و به گونه‌ای تصحیف مورد نظر را شناسایی کرد. در زیر نمونه‌ای از این تصحیفات را بررسی می‌کنیم.

زیاد بن ابی غیاث

نام زیاد بن ابی غیاث، مسلم مولی آل دغش از محارب بن خصفه است. وی از ابی عبد الله علیه السلام روایت کرده و ابن عقده و ابن نوح وی را ثقة دانسته‌اند (نجاشی [بی‌تا]: ۱۷۱، طوسی [بی‌تا]: ۲۰۵، ابن داود ۱۳۹۲: ۱۶۱، حلی ۱۴۰۲: ۷۵) در رجال شیخ طوسی از وی با نام زیاد بن مسلم أبو عتاب کوفی، در زمره اصحاب امام صادق (ع) یاد شده است. (طوسی ۱۴۱۵: ۲۰۸) وی در رجال خود اطلاعات دیگری از این راوی به دست نداده است. در خصوص این نام نکات زیر درخور توجه است:

۱. پیشینه کاربرد این نام نشان می‌دهد که روایاتی از زیاد بن ابی غیاث در تهذیب الاحکام و استبصار (طوسی ۱۳۶۴: ج ۲، ۱۱۴، ۱۱۸ و ۲۴۸ و ۱۳۹۰: ج ۱، ۲۵۳) و روایاتی نیز از زیاد ابی عتاب در برخی از نسخه‌های تهذیب الاحکام نقل شده است (طوسی ۱۳۶۴: ج ۷، ۱۱۱ و ۱۱۸) محدث بحرانی بر این نظر است که بین دو نام زیاد ابی غیاث و زیاد بن ابی عتاب، نام زیاد ابی عتاب صحیح است و روایات موجود به وی برمی‌گردد. (بحرانی ۱۴۰۵: ج ۱، ۲۷۱ و ۳۷۶)

۲. در اساس منبع نقل نام زیاد بن ابی عتاب، رجال شیخ است (طوسی ۱۴۱۵: ۲۰۸) که روایاتی از وی نیز در برخی نسخه‌های تهذیب الاحکام ذکر شده است. (طوسی ۱۳۶۴: ج ۷، ۱۱۱ و ۱۱۸) از این رو، پیش از رجال شیخ و تهذیب الاحکام نام زیاد ابی عتاب در دیگر کتب رجالی و حدیثی ذکر نشده است.

۳. قدیم‌ترین اثری که نام زیاد بن ابی غیاث در آن ذکر شده است، رجال نجاشی است.

نجاشی [بی‌تا]: (۱۷۱)

۴. سیر کاربرد نام زیاد بن ابی غیاث پس از نجاشی نشان می‌دهد که این نام در منابع مختلف با همین عنوان ثبت شده است. حتی شیخ در فهرست (طوسی [بی‌تا]: ۲۰۵) خود صرفاً همین نام را گزارش کرده است. افزون‌براین، ابن داود (ابن داود ۱۳۹۲: ۱۶۱) و علامه حلی (حلی ۱۴۰۲: ص ۷۵) نیز نام زیاد بن ابی غیاث را ثبت کرده‌اند.

۵. ابی عتاب و ابی غیاث دو کنیه هستند که کنیه ابی عتاب بجز زیاد، در نام‌های دیگر راویان از جمله عبدالله بن بسطام بن سابور الزیاتی (نجاشی [بی‌تا]: ۲۱۸) و منصور بن المعتمر أبو عتاب (طوسی ۱۴۱۵: ۳۰۵) و عتاب بن ابی عتاب یاد شده است که فرد اخیر معجزه ای از امام هادی (ع) در هنگام سفرشان از مدینه به سامرا نقل کرده است. این شهر آشوب [بی‌تا] (ج ۴، ص ۱۲۵) از این رو، کنیه ابی غیاث در کتب رجالی در خصوص زیاد مذکور به‌کار رفته است در حالی که کنیه ابوعتاب برای دو راوی دیگر نیز به‌کار رفته است.

۶. از آنجا که نام ابی عتاب منحصر در رجال شیخ است و حتی در دیگر کتب شیخ یعنی فهرست، استبصار و برخی از نسخه‌های تهذیب الاحکام نیز نام ابی غیاث ثبت شده است، احتمال تصحیف ابی غیاث به ابی عتاب قوت می‌یابد. همان‌گونه که گذشت قدیم‌ترین شکل آن نیز همان نام ابی غیاث است که در کلام نجاشی ذکر شده است که سیر تاریخی کاربرد آن پس از نجاشی و کثرت کاربرد نام ابی غیاث در کتب مختلف رجالی نیز حاکی از اصالت شکل ابی غیاث است. افزون بر رجال، در برخی از نسخه‌های تهذیب نیز در نام مذکور تصحیفی صورت گرفته است که وجود این نام در یک روایت آنهم در یک نسخه از نسخه‌های مختلف تهذیب دلیل محکمی بر تصحیف مذکور است.

۲-۳-۴ تحریف

تحریف نام ناشی از عوامل مختلف آوایی است که از جمله این عوامل حذف صوت (افتادن واکه پایان واژه یا افتادن واکه درون واژه: (دیندوست ۱۳۷۴: ۱۰۹-۱۱۰)؛ برای مطالعه حذف در زبان عربی نک. به انطاکمی ج ۱، ۱۳۶) یا صوت افزایی (وارد کردن یک همخوان یا واکه در یک محیط خاص: اوگریدی و دیلینی ج ۲، ۳۲۵) است. در زیر برای نمونه، تحریفی که بر اثر حذف صوت صورت گرفته است بررسی می‌شود.

حسین بن عبدالله الأرجانی

نام این راوی در منابع رجالی به شکل‌های مختلفی نقل شده است. از جمله شیخ در رجال خرد از فردی به نام «حسین بن عبدالله رجانی» یاد می‌کند. (طوسی ۱۴۱۵: ۱۸۴) وی از افراد دیگری نیز به نام‌های «حسین بن عبدالله أرجانی» (طوسی ۱۴۱۵: ۱۹۵) و «حسین أرجانی» (طوسی ۱۴۱۵: ۱۳۱) که در زمره اصحاب امام صادق (ع) هستند، یاد کرده است. در گزارش برقی از فردی به نام حسین أرجانی در زمره اصحاب امام صادق (ع) یاد شده است. (برقی ۱۳۴۲: ۲۷)

بررسی نام‌ها و گزارشات تاریخی حاکی از تحریف نام مورد نظر است که در زیر خلاصه‌ای از آنها بیان می‌شود:

۱. هر چند که شیخ در سه جای مختلف به ذکر این نام پرداخته است اما در یک مورد نام کامل راوی مذکور را به صورت «حسین بن عبدالله أرجانی» ثبت کرده است (طوسی ۱۴۱۵: ۱۸۴)

۲. کشی در ضمن شرح حال «عبدالله بن بکیر أرجانی» ذکر می‌کند که عبدالله فرزندی به نام حسین داشته است. (کشی ۲۹۳) از این رو حسین فرزند عبدالله است و طبیعتاً بر اساس این گزارش نسبت وی أرجانی است. این گزارش با گزارش شیخ طوسی و برقی نیز مورد تایید قرار می‌گیرد.

۳. افزون بر این، اطلاعات تاریخی حاکی از آن است که أرجان یکی از شهرهای ایران (ده کیلومتری شهر بهبهان کنونی) در غربی‌ترین ناحیه فارس بوده است که نخستین استان فارس پس از استان اهواز محسوب می‌شده است. (ابن رسته ۱۸۹۱: ۱۸۹، ابن فقیه ۱۳۰۲: ۱۹۸) نسبت أرجانی به این شهر بر می‌گردد که حسین بن عبدالله مذکور نیز منتسب به همین نسبت است. این در حالی است که در بین کتب بلدان منطقه‌ای به نام رجان شناخته شده نیست.

۴. از مجموع مطالب فوق نتیجه می‌شود که «أرجانی» نمونه اصلی و شکل قدیمی این نام است که مطابقت کاملی با مستندات تاریخی دارد. این شکل نخستین، بر اثر حذف صوت همزه، تبدیل به «رجانی» شده است. از این رو شکل «رجانی» تحریف شده نام «أرجانی» است که صرفاً این تحریف در در یک مورد و فقط در رجال شیخ طوسی رخ داده است. گزارش‌های دیگر تاریخی نیز اطلاعات دیگری در خصوص نام

کامل راوی در اختیار قرار می‌دهند که با کنار هم قرار دادن این اطلاعات نام کامل راوی یعنی «حسین بن عبدالله ارجانی» به دست می‌آید.

نتیجه

۱. نام‌شناسی علمی است که در دو شاخه اصلی نام‌های فردی و نام‌های مکانی به مطالعه نام‌های اشخاص و مکان‌ها می‌پردازد.
۲. مطالعات نام‌شناختی در فرهنگ اسلامی در دو حوزه قرآن و حدیث سابقه زیادی دارد، به ویژه در حوزه حدیث. علم رجال متکفل بررسی و مطالعه نام‌های راویان است.
۳. ساختار نام‌ها در زبان عربی عبارت از کنیه، اسم، نسب، نسبت و لقب که برخی از نام‌های عربی ساختاری بومی داشته و متأثر از عوامل منطقه‌ای هستند.
۴. نام‌شناسی با گرایش تاریخی در دو حوزه بررسی تغییرات آوایی و ریشه‌شناسی قابل تقسیم‌بندی است که با هدف دستیابی به نمونه اصلی نام، دست به بازسازی آن می‌زند. در این میان برای بررسی نام‌هایی که تغییر آوایی یافته‌اند، به‌کارگیری قواعد آو‌شناسی ضروری است اما در خصوص نام‌هایی که تغییر آوایی نیافته‌اند، مطالعات تاریخی و ریشه‌شناختی کفایت می‌کند.
۵. نام‌شناسی در مباحث مختلف رجالی به عنوان روشی برای بررسی نام، کاربردهای مختلفی دارد که برای نمونه می‌توان از مباحث استخراج پاره‌ای از اطلاعات از نام راوی، توحید مختلفات، تصحیف و تحریف یاد کرد.
۶. برای استخراج پاره‌ای از اطلاعات از نام راوی و بررسی تصحیفات نام‌ها نیاز به بررسی تاریخی و ریشه‌شناختی است و برای مطالعه مبحث توحید مختلفات و تحریف در کنار بررسی‌های تاریخی نیازمند بررسی تحولات آوایی نام‌ها هستیم.

منابع و مأخذ

- [بی تا] *مقیاس الهدایه*، به تحقیق محمد رضا مامقانی، قم، موسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۹۰) *لسان المیزان*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن داود، تقی الدین (۱۳۹۲) *رجال*، به تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف، المطبعه الحیدریه.
- ابن رسته، احمد (۱۸۹۱) *الاعلاق النفیسه*، به کوشش دخویه، لیدن.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی [بی تا] *المناقب*، قم، [بی تا].
- ابن صلاح، عثمان عبدالرحمن (۱۴۰۴) *مقدمه ابن صلاح فی علوم القرآن*، به کوشش مصطفی دیب البغا، دمشق، کلیه الشریعه.
- ابن فقیه، احمد (۱۳۰۲) *مختصر کتاب البلدان*، به کوشش دخویه، لیدن.
- انطاکی، محمد (۱۳۷۲) *آواشناسی*، ترجمه قاسم بستانی، دانشگاه تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- انیس، ابراهیم (۱۳۷۴) *آواشناسی زبان عربی*، مترجم ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو، تهران، انتشارات اسوه.
- اوگریدی و ویلیام دیلینی (۱۳۸۰) *درآمدی بر زبانشناسی معاصر*، مترجم، علی درزی، تهران، سمت.
- بحرانی، شیخ یوسف (۱۴۰۵) *الحدائق الناظره*، به تحقیق محمد تقی ایروانی، بیروت، موسسه الاضواء.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲) *رجال برقی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- تفرشی، میر مصطفی (۱۴۱۸) *نقد الرجال*، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- جبعی، زین الدین (۱۴۰۸) *الرعايه*، به تحقیق محمد علی بقال، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله [بی تا] *معرفه علوم الحدیث*، به تحقیق سید معظم حسین، بیروت، المكتب التجاری.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۲) *خلاصه الاقوال فی علم الرجال*، به تحقیق سید محمد صادق بحر العلوم، قم، مکتبه الرضی.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱) *ایضاح الاشتهاء*، به تحقیق شیخ محمد الحسون، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹) *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- خطیب، محمد عجاج [بی تا] *اصول الحدیث*، علومه و مصطلحه، بیروت، دارالفکر الحدیث.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳) *معجم رجال الحدیث*، [بی تا].
- دهخدا، علی اکبر [بی تا] *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، شماره مسلسل ۱۹۸
- دیندوست، جمشید (۱۳۷۴) *آواشناسی انگلیسی*، تهران، انتشارات بنیان.
- ذهبی (۱۳۸۲) *میزان الاعتدال*، به تحقیق علی محمد البجاری، بیروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر.
- ربانی، محمد حسن (۱۳۸۰) *درایه الحدیث*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- رجب زاده، احمد (۱۳۷۸) *تحلیل اجتماعی نامگذاری*، تهران، انتشارات روش.

- ساماران، شارل (۱۳۷۰) روش‌های پژوهش در تاریخ، به ترجمه ابوالقاسم بیگناه، غلامرضا ذات‌علیان، مهدی علایی، اقدس یغمایی، مشهد، انتشارات آستان قدس.
- شیمیل، آنه مازی (۱۳۶۷) نام‌های اسلامی، ترجمه گیتی آرین، تهران، طوس.
- صدر، حسن [بی‌تا] *نهایه الدراییه*، تصحیح ماجد غرباوی، قم، [بی‌تا]
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴) *تهذیب الاحکام*، به تحقیق سید حسن خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰) *الاستبصار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵) *رجال الطوسی*، به تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، موسسه نشر الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن [بی‌تا] *الفهرست*، به تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، موسسه نشر الفقاهه.
- عبدالنواب، رمضان (۱۳۶۷) *مباحثی در فقه اللغه و زبان شناسی عربی*، ترجمه حمید رضا شیخی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- غفاری، علی اکبر (۱۳۶۹) *تلخیص مقیاس الهدایه*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- قرشی، امان الله (۱۳۸۲) *آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی (درآمدی بر علم اعلام جغرافیایی هند و اروپایی)*، تهران، انتشارات هرمس.
- کریستال، دیوید [بی‌تا] *نام‌ها*، مترجم بابک منصوری، چیستا، شماره ۱۵۶-۱۵۷
- کثی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز (۱۹۶۲) *رجال الکثی (اختیار معرفه الرجال)*، بیروت، موسسه الاعلمی.
- کیا، صادق (۱۳۴۰) *قلب در زبان عربی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- مامقانی، عبدالله [بی‌تا] *تنقیح المقال*، [بی‌جا]، ج ۱، ص ۶۹
- محقق، محمد باقر (۱۳۷۲) *اسماء و صفات الهی در قرآن*، تهران، انتشارات اسلامی.
- مدیرشانیچی، کاظم [بی‌تا] *علم الحدیث*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مرعی الخلیل، عبدالقادر (۱۹۹۳) *المصطلح الصوتی عند علماء الرعبیه القدماء فی ضوء علم اللغه المعاصر*، عمان، [بی‌تا]
- مودب، سید رضا (۱۳۸۲) *علم الدراییه تطبیقی*، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- نجاشی، احمد بن علی [بی‌تا] *رجال النجاشی*، به تحقیق موسی شیرازی زنجانی، قم، النشر الاسلامی.
- نووی، محی‌الدین بن شرف [بی‌تا] *تهذیب الاسماء و اللغات*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۴) *تهذیب التهذیب*، بیروت، دارالفکر.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۴۰۸) *الأنساب*، به کوشش عبدالله عمر البارودی، بیروت، دارالجنان.

- Anderson, Jhon (2007) *The Grammar of Names*, Oxford University Press New York
- Bright, William (2003). *What IS a Name? Reflections on Onomastics, LANGUAGE AND LINGUISTICS*. Vol. 4(4).pp.661-681
- Julia s. Falk, *Linguistics and Language*, New York and Toronto, John Wiley & Sons